

# مبارزان کمونیسٹ

سر دبیر:  
اسد نودینیان

Tel:0046707583441

(شماره 24)

جمعه 8 اردیبهشت یکپهرازو سصد و  
نود

info1@mobarez-k.com

کارگران و آزادیخواهان در شهرهای کردستان ایران و عراق!

با شروع اعتراضات کارگران و مردم در کردستان عراق طیف وسیعی از احزاب و نهادها و سخنگویان ناسیونالیسم کرد در مقابل با آن صف آرائی کرده اند. با حمایت خود از این اعتراضات از طریق قطعنامه های اول مه، صف طبقاتی خود علیه ناسیونالیسم کرد و تحرک جدید آنها را به جامعه اعلام بنمایند.



درسهای کوتاه ادامه یک دوره!  
نسان نودینیان

اطلاعیه مبارزان کمونیست!  
اول مه در شهرهای کردستان و ضرورت پشتیبانی از  
اعتراضات کردستان عراق!  
صفحه 3

پیام مبارزان کمونیست بمناسبت روز جهانی کارگر!  
صفحه 2



در تدارک اول ماه مه!  
دعوت به هم سرنوشتی!  
صفحه 3

اول ماه مه متفاوت!  
صفحه 4

سرنوشت لیبی به کدام سمت میرود؟  
صفحه 8  
نسان نودینیان

تحصن و اعتراضات انقلابی مردم و جوانان در شهر سلیمانیه بعد از شصت روز با نظامی کردن شهر و مراکز تجمع توسط احزاب میلشیا (حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی) وارد دوره جدیدی شده است. احزاب میلشیا کرد، با حمله نظامی و بسیج نیروهای سرکوبگر و با یورش سبعمانه به تظاهر کنندگان مناطق مهم و محل تجمع مردم و ناراضیان به وضع موجود را نظامی کرده اند.

شصت روز قیام و اعتراض بخشهای اکثریت شهرهای کردستان برای رفاه و آزادی، خواب راحت را بر سران حاکم و احزاب میلشیا کرد حرام کرده بود. یک جدال سیاسی و عمیقاً آزادیخواهانه در دو ماه گذشته در فضای عمومی شهرهای کردستان در جریان بود. روح و نشاط اعتراض، تجمع و تظاهرات همه جا گسترده و به اتحاد و همسرنوشتی می انجامید. اولین پرچم و الگوی تظاهرات و تجمع ابراز وجود سیاسی - اجتماعی توده ای به فرهنگ مردم و جوانان تبدیل شد.

انجمن سرای آزادی به کانون و نهاد قدرت دوگانه تبدیل شد. این تجربه ای از حاکمیت توده ای و اعمال اراده مردم در شکل علنی بود. این انجمن توسط احزاب حاکم برسمیت شناخته شد.

در عین حال انجمن سرای آزادی، مرکز ثقل یک جدل سیاسی عمیق در درون اپوزیسیون بود. در یک قطب این جدل چپ و کمونیستها صف آرایی کرده بودند، و در صف مقابل "اپوزیسیون" خودی درونی از احزاب میلشیا و حاکم و جریانات اسلامی حضور داشتند. چپ و کمونیستها بقدرت اتحاد و حمایت کارگران و مردم منکی بودند. با وجود ضعف و کمبودهای چپ و کمونیستها، اما حضور آنها به حاشیه رانده نشد. پرچم مطالبات رابکال مردم و جوانان نمایندگی شد.

رو در روئی های شصت روز گذشته ارتباط تاکنون موجود بر اساس احزاب "خودی" و "ادولت" خودی را از بین برد. مردم این احزاب را بعنوان نیروهای اشغالگر می شناسند. بیداری سیاسی منطقه و جهان عرب با وجود استفاد از میدیا و فیس بوک و توئیتر و انترنت امری جهانی شده دومینوی پرچم رفاه و آزادی همه گیر شده. قیام شصت روزه و کيفرخواستهای رادیکال کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان در میتینگ و تظاهرات اعتراضی اعتماد مردم به خود و نیروی اجتماعی مردم را قدمها جلو برده است. ارتفاع توقعات مردم و جامعه بالا رفته است. هر نوع نقشه و فکری برای تبدیل کردن اوضاع کنونی به عرصه درگیری نظامی قومی - مذهبی با وجود تجارب زنده تاکنونی و هوشیاری بالا و آگاهانه مردم بسرعت ناکام خواهد شد.

اطلاعیه مبارزان کمونیست: 22 آوریل اعتراض سراسری علیه حکم  
اعدام شیرکو معارفی پور!  
گزارشی از این اعتراضات  
صفحه 9



برگی از تاریخ

تشکیل اتحادیه بیکاران و صندوق حمایت از کارگران  
بیکار، خاطراتی از قیام ۵۷!  
صفحه 4  
#####

خاطراتی از قیام مناسبت اول ماه مه ۵۷  
صفحه 5  
عبدالله کهنه پوشی

مروری بر رویدادهای کردستان عراق بخش دوم  
اسد نودینیان صفحه 5

قتل عام ساکنین اردوگاه اشرف توسط ارتش عراق محکوم است!  
مبارزان کمونیست  
صفحه 2

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است (منصور حکمت)

ادامه وضعیت کنونی در گرو دامن زدن به اعتصابات گسترده در مراکز تولیدی و کارخانه ها، محلات، دانشگاه ها، مدارس و مکانهایی است که قدرت بسیج وجود دارد. هم اکنون این اعتصابات در دانشگاه ها جریان دارد. در تدارک اول ماه مه هستیم. این روز همه جا در شهرهای کردستان عراق جشن و مراسمهای وسیع برگزار میشود. سرای آزادی در انتظار تجمع و دیدار هزاران نفر از کارگرانی است که میخواهند بطرف سلیمانیه حرکت کنند. کيفرخواست کارگران و قطعنامه های آنان در شکل دادن و بسیج جنبش کارگری با مطالبات رفع تبعیض های تآکونتی، و تلاش کارگران در مراکز تولیدی و کار برای دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و اعلام آمادگی کارگران متشکل و سازمانیافته در مجمع عمومی ها در سرنوشت آینده و اوضاع سیاسی جامعه اهمیت بسیاری دارد.

نسان نودینیان  
آوریل ۲۰۱۱

## پیام مبارزان کمونیست بمناسبت روز جهانی کارگر!

رفقای کارگر!

درودهای ما را بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر بپذیرید. این روز را به همه شما و مردم آزادیخواه تبریک میگوئیم.

مزد بگیران جامعه در حالی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر میروند که بحران عمیقی نظام سرمایه داری جهانی را در بر گرفته است. هر روز آمار دولتهای ورشکسته و بحران زده در جهان بالا میروند. تا کنون در اروپا کشورهای یونان، ایرلند، پرتغال و اسپانیا اعلام ورشکستگی کرده اند. بار سنگین این بحران در حال گسترش و تأمین کسری بودجه و پرداخت سودهای نجومی بدهی این دولت ها به بانک جهانی را طبقه کارگر می پردازد. نظام سرمایه با گرانی و افزایش مرتب هزینه های زندگی، با افزایش مالیات ها، بالا بردن مرتب سن بازنشستگی، با تخریب و باز پس گرفتن سیستماتیک امکانات رفاهی و زیستی شهروندان و با سرکوب و حشیانه اعتراضات توده ای تعرض همه جانبه خود را ادامه می دهد. در نتیجه این وضع آمار بیکاران و فقرای جامعه و بی سر پناهایی که راهی خیابانها شده اند بسیار افزوده شده اند. امواج اعتراضات توده ای و کارگری در اروپا و قیام برای نان و کار و آزادی در کشورهای شمال آفریقا و جهان و منطقه خاورمیانه، عکس العمل شهروندان جامعه به این بحران است.

جمهوری اسلامی همراه با تشدید سرکوب و ایجاد فضای پلیسی در محیط کار، بیکارسازی وسیع در سطح میلیونی، سرکوب اعتراضات کارگری، در

زندان نگه داشتن رهبران و فعالین کارگری، فشار بر جنبش کارگری و رهبران آن را به سیاست اصلی خود تبدیل کرده است. هنوز رهبران و فعالین کارگری و سندیکاها از جمله منصور اسالو، مددی، غلام حسین غلام حسینی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و رضا رخشان و بسیاری دیگر از فعالین کارگری در زندان هستند. بار فشار روز افزون گرانی، تعطیلی یکی پس از دیگری کارخانه ها و مراکز تولیدی، افزایش سرسام آور کرایه خانه و آنچه تحت عنوان حفاظ امنیتی اقتصادی و مالی برای کارگران هست از آنها سلب شده است.

طبقه کارگر در یکسال گذشته بر محورهای اصلی مبارزه برای افزایش دستمزدها در اشکال مختلفی تلاش کرده است. مبارزه حول گرفتن حقوق های ماهانه معوقه و در مواردی برای اضافه دستمزد در اشکال اعتصاب و تجمع و تومار نویسی و راه بندان و بصورت راهپیمائی سازماندهی شده است. سطح دستمزدهای ۳۳۰ هزار تومان، بقول یک فعال کارگری این مبلغ ناچیز را میتوانی نه در ارائه آمار و ارقام بلکه آثار آن را در زندگی روزانه تأمین یک خانواده ۴ نفره تجربه کرد. این مبلغ کفاف پوشش مالی و تأمین هیچکدام از مایحتاج زندگی روزانه را نمی کند.

طبقه کارگر را مجبور کرده اند که با مشکلات عدیده ای برای حیات و بقاء و برای برخورداری از یک زندگی انسانی دست و پنجه نرم کند. کارگران راهی جز این ندارد که در سر لوح قطعنامه و مطالبات خود زیر و رو کردن این دنیای وارونه و استثمارگر را قرار دهد. خلاصی از دست این دنیای وارونه بجز با یک تحول انقلابی، با سرنگونی این نظام حاکم و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی که در آن دیگر استثمار و کار مزدی وجود نداشته باشد، قابل تحقق نیست. رفقای کارگر! تغییر و دگرگون کردن این نظام ظالمانه عملی است. قدرت قیام و مبارزه کارگران، مردم و جوانان در تونس و مصر در چند ماه گذشته بار دیگر اعتماد به خود و به قیام و انقلاب را در دل میلیاردها انسان زنده کرد. طبقه کارگر و مردم و جوانان تا کنون دو دیکتاتور را فراری داده اند و مبارزات عدالتخواهانه آنها در دیگر کشورها علیه نظام های مستبد ادامه دارد.

در ۱۱ اردیبهشت امسال طبقه کارگر در ایران می تواند در جشن و مراسم های روز جهانی اش با طرح مطالبات طبقاتی و سیاسی خود گام مهمی بسوی دخالت موثر در تحولات جاری جامعه و ایفای نقش در آن به نفع کسب قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی بر دارد.

امر کارگران ایران، امر مشترک همه کارگران در سراسر جهان است.

موقعیت همگون کارگران و دردهای مشترک جهانی آنان، اهداف و آرمان مشترکی را در برابرشان قرار داده است. مبارزه برای سرنگونی بورژوازی و برپایی سوسیالیسم، امر کارگران ایران و راه همبستگی با دیگر بخش های هم طبقه خود در سراسر جهان است.

امر کارگران ایران، امر تشکل، حزب سیاسی کارگری و چگونه متشکل شدن و متشکل ماندن است.

رفقای کارگر! طبقه ما سلاحی بجز آگاهی و تشکل ندارد. آن زمان که صفوف میلیونی کارگران به این سلاح مجهز شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت در برابر با آن را نخواهد داشت. صفوف خود را حول شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" فشرده و یکپارچه کنیم و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران را بصدا در آوریم.

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیسم!

مبارزان کمونیست آوریل ۲۰۱۱ (اردیبهشت ۱۳۹۰)

## قتل عام ساکنین اردوگاه اشرف توسط ارتش عراق محکوم است! مبارزان کمونیست

بر طبق اخبار رسیده از امروز جمعه ۸ آوریل ۲۰۱۱ ارتش عراق به اردوگاه اشرف، محل استقرار نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق حمله کرده است. طبق اخبار رسیده تا کنون ۳۱ نفر از ساکنین این اردوگاه بر اثر این حملات جنایتکارانه کشته شده اند و صدها نفر دیگر زخمی شده اند. ارتش عراق حمله به این اردوگاه را از دیروز با محاصره و اشغال قسمت هایی از آن آغاز کرده است. حال بسیاری از زخمیها وخیم است و دولت عراق از مداوای زخمیها خود داری میکند و مانع انتقال آنها به بیمارستان است.

این اولین بار نیست که حمله ارتش و نیروهای مسلح دیگر دولت عراق به رهبری جلال طالبانی و نوری مالکی به سازمانهای اپوزیسیون ایرانی و سازمان مجاهدین خلق انجام میگردد. ظرف چند سال گذشته این اردوگاه بارها توسط ارتش و نیروهای نظامی عراق مورد حمله قرار گرفته و هر بار تعداد زیادی از ساکنین آن را کشته و مجروح کرده اند.

این حمله جنایتکارانه ارتش عراق علیه ساکنین این اردوگاه و نصب صدها بلندگوی مزاحم در اطراف آن که مدت چند سال است بطور شبانه روز ساکنین این اردوگاه را شکنجه روحی و روانی میکند، بخشی از توطئه های نقشه مند و ادامه دار مشترک نوری مالکی و جمهوری اسلامی علیه این اردوگاه است. تکرار مکرر و هر چند وقت یکبار چنین ماجراهای خونینی علیه ساکنین این اردوگاه نشان میدهد که این پایان ماجرا نیست و این سازمان باید چاره جدی برای انتقال و حفظ جان ساکنین آن بیاندیشد.

## اول مه در شهرهای کردستان و ضرورت پشتیبانی از اعتراضات کردستان عراق!

بیشتر از دو ماه است اعتراضات توده ای بیشتر شهرهای عراق را در بر گرفته است. این اعتراضات بخشی از جنبش عدالتخواهانه ادامه دار کارگران و توده های مردم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است و تأثیرات مهمی را بر فضای سیاسی دنیا و آرایش دولتهای منطقه و نیروهای سیاسی گذاشته است. این جنبش توده ای اعتماد و اتکا به نیروی مبارزاتی متحدانه مردم و کارساز بودن آن در حل معضلات جامعه را در سریع ترین زمان ممکن در راس توجه همگان قرار داد. در عرض کمتر از دو ماه حاکمان مستبد در مصر و تونس را بزیر کشید و بسیاری از دولتها را مجبور به دادن امتیازاتی به مردم و باز کردن سر کیسه ها کرده است. همین اندازه از دستاوردها را اگر به کانال دیپلماسی و مذاکرات دولت ها و پیاده کردن دموکراسی توسط کشورهای غربی محول میشد، انجامش غیر ممکن بود و یا یک قرن چانه زنی لازم داشت و یا اینکه با حمله نظامی و کشتار و خانه خرابی شهروندان مردم را چشم به انتظار نگاه می داشتند و توان هر گونه تحرکی را از آنها سلب میکردند.

اما اعتراضات مردم در عراق و سوریه و تعداد دیگری از کشورها در ارتباط با مبارزات مردم در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی دارای ویژگیهایی است. یکی از این ویژگیها جنبش اعتراضی مردم در شهرهای کردستان عراق علیه دولت فعلی عراق و احزاب و حاکمان ناسیونالیست کرد در آن است. این اعتراضات بخشی از جنبش عمومی تر مردم در عراق و خاورمیانه است و خشم احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد در عراق و ایران و ترکیه و ایدئولوژیهای این جنبش را در سطح منطقه بر انگیزته است.

این مبارزات از پایه و در سطح اجتماعی به جنبش ناسیونالیسم کرد ضربه وارد کرد و از سد دولت ملی و "خودی" عبور نمود و مهر باطلی بر رادیکال نمایی و انقلابی گری ارتجاعی و عوام فریبانه نیروهای ناسیونالیست کرد کوبید. در راس شعارها و مطالبات مردم و جوانان شعار آزادی بی قید و شرط سیاسی، امنیت شغلی، تأمین زندگی، خلاصی از فقر و فلاکت و کوتاه شدن دست نیروهای نظامی احزاب ناسیونالیست کرد قرار گرفته است. کارگران و مردم در مقابل دستگاه فساد مالی - اقتصادی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق و چپاول دسترنج خود و کاخهای فرعونی آنها خشمگین اند.

اعتراضات ایندوره در عین اینکه هم سر نوشتی توده های مردم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را بر جسته کرد، منافع طبقاتی مشترک استثمارگرانه و جنایت کاری نیروهای ناسیونالیست های کرد و عرب و فارس و ترک و غیره را به نمایش در آورد.

مبارزات آزادیخواهانه کارگران و توده های مردم در شهرهای عراق صف گسترده ای از احزاب و رسانه های ناسیونالیست کرد، سخنگویان آنها در ایران و عراق و ترکیه و نئوریسین ها و نهادهای مختلف ناسیونالیست در کشورهای اروپایی را به حرکت در آورده است. همه به خط شده اند تا از منافع اقتصادی سرمایه داران کرد زبان دفاع کنند و سرکوبگرهای احزاب ناسیونالیست را با عرق ملی توجیه کنند. چپاول و دزدی دو دهه اخیر

احزاب ناسیونالیست کرد و موقعیت فراهم شده آنها الگو و آرزوی حزب دمکرات های کردستان ایران و دارو دسته های زحمتکشانی عبدالله مهتدی و جریان طرفدار فرهم است.

اول ماه مه، روز کارگر امسال را در شرایطی جشن میگیریم که شاهد این صف آرائی طبقاتی و این تحرک عمومی نیروهای ناسیونالیست کرد منطقه علیه مبارزات کارگران و توده های مردم در شهرهای کردستان عراق هستیم. توجه فعالین کارگری در شهرهای کردستان ایران و عراق به این آرایش سیاسی و طبقاتی در منطقه و به اهتزاز در آوردن پرچم عدالتخواهانه صف کارگران و مردم و آزادیخواهان در برابر با آن جایگاه ویژه خود را دارد. جا دارد که در مراسمهای اول مه امسال کارگران در شهرهای کردستان ایران و عراق بندی از قطعنامه مراسمهای روز اول مه را به همبستگی مبارزاتی کارگران در منطقه اختصاص داد. اعلام صف جداگانه کارگران در برابر با صف بورژوازی محلی و نیروهای ناسیونالیست کرد در این شرایط می تواند صف متمایز و برابری طلبانه کارگران را در سطح منطقه تقویت بنماید. بحث و گفتگو در این باره در میان جمعها و محافل مختلف کارگری و فعالین کمونیست اهمیت زیادی در تقویت مبارزات کارگران و توده های مردم در تحولات پیش رو دارد. ایجاد چنین سنگر بندی در مقابل تحکرات این دوره ناسیونالیسم کرد و دست زدن به هر فعالیت و عملی که در مراسم های روز کارگر ممکن باشد اقدامی است با اهمیت و طبقاتی. چنین اقدامی در محل منجر به تقویت همبستگی مبارزاتی انقلابی در سراسر ایران و در مبارزات کارگران و توده های مردم و دانشجویان برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی خواهد شد. از طرف دیگر اعلام این هم سر نوشتی می تواند دامنه توطئه های جمهوری اسلامی در سطح منطقه را محدود کند و هوشیاری مردم منطقه در برابر با توطئه های جمهوری اسلامی را بالا ببرد.

به امید برپایی مراسم های باشکوه روز جهانی کارگر.

مبارزان کمونیست

آوریل ۲۰۱۱

این جنایات در فاصله نزدیکی از محل استقرار نیروهای آمریکائی مستقر در عراق انجام گرفته است. رعایت عرف معمولی و روابط "دیپلماسی" و مقرارت بین المللی حکم میکند که جلو توطئه های مشترک جمهوری اسلامی بوسیله دولت میزبان فوراً گرفته شود. حداقل انتظار این است که عاملان و دستوردهندگان حمله به این اردوگاه به محاکمه کشیده شوند، برای مداوای زخمیها اقدامات فوری و عاجل به عمل آید. نباید به دولت عراق اجازه معامله گری با جمهوری اسلامی بر سر حق حیات ساکنین این اردوگاه و رفتار وحشیانه در حق به آنها داده شود. باید هر چه زودتر نیروهای عراقی مستقر در اردوگاه از آن خارج شوند و دست از محاصره آن بردارند.

مبارزان کمونیست قتل عام و حمله وحشانه ارتش و نیروهای گوناگون دولت عراق به رهبری نوری مالکی را به اردوگاه اشرف قویا محکوم میکند. از احزاب و سازمانها و نهادهای بین المللی و از تمام انسانهای آزادیخواه و منصف میخواهد به این جنایات و قیح دولت عراق و بند و بست های آشکار آن با دولت اسلامی بهر طریق ممکن اعتراض بنمایند.

مبارزان کمونیست جمعه 8 آوریل 2011

## در تدارک اول ماه مه! دعوت به همسرنوشتی!

### نسان نودینیان

جمع شدن و دعوت از کارگران در محل کار و تولید، همسایه ها و کسانیکه با آنها شب نشینی و نشست و برخاست داریم، برای با شکوه کردن و توده ای کردن مراسمهای اول ماه مه از ملزومات تدارک این روز است. بیان این حقایق و اصرار برای جمع کردن روابط پیرامونی امری روتین و احتمالاً برای تعداد زیادی از فعالین کارگر و کسانیکه در فکر تدارک روز کارگر هستند، از بدیهیات پایه ای است. اما باید اذعان کنیم که با توجه به مشقات زندگی و اینکه گرفتاری و مصیبت های زندگی از فشار مالی گرفته تا خستگی کارهای دو و سه شیفتی و از طرف دیگر ناباوری و اینکه در روز اول ماه مه که کاری از ما ساخته نیست و سنگی روی سنگ نگذاشته ایم، دلایل و بهانه هایی برای عدم شرکت در میان بخشی از کارگران و خانواده ها است، و وجود دارد. اینجا باید به کاری آرام و متین دست زد. تماس نزدیک و توضیحات کافی اهمیت مهمی دارند. برای ایندسته از کارگران باید روح و فلسفه اول ماه مه را بروشنی بیان کنیم. و برایشان از هم سرنوشتی با دیگر هم طبقه ای ها پیمان و راه عملی رهایی مان بگوییم، بر وجدان کارگریشان انگشت بگذاریم و همین گرفتاریهای روزانه و مشقات تأمین این زندگی سخت و بی رحم و مشکلاتی که گویی آنها را میفشارد انگیزه ای برای شرکت فعالتر و مصمم ترشان در کنار کارگران دیگر خواهد شد. دعوت به همسرنوشتی برای کارگران دور از خط و مرز گرایشات و وابستگی و دلمشغولی هایی است که طبیعتاً در میان محافل کارگری وجود دارد، انجام شود. این همسرنوشتی طبقاتی است و برای امری طبقاتی که قدرت و نیروی طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را به نمایش میگذارد ضروری است. کسی از احد و شهروند جامعه در سطح طبقه و اقشار اجتماعی در شهرها نیست که با اول ماه مه و روزکارگر آشنا نباشد. روز کارگر همچنانکه روز جهانی زن روزهای شناخته شده و محبوبی هستند، دولت، کارفرما و بورژواها در روز کارگر ضمن گرفتار شدن به درد شدید و ترس از متحد و همبسته شدن کارگران تلاش میکنند با "مراسمهای" فرمایشی روز کارگر را سمبل کنند، و با اینکار اندکی از درد و ترس خود را برای جلوگیری از متحد شدن کارگران و به منظور کم کردن رادیکالیسم طبقاتی مطالبات و خواستههای روز جهانی کارگر، بکاهند. بورژواها و دولت از همسرنوشتی طبقه کارگر و روزی که این همسرنوشتی به نیروی مادی به تجمعات مختلف و به روز کيفرخواست و مطالبات مزدبگیران جامعه تبدیل شود، میترسند. ترس آنها واقعی است. همچنانکه اگر هم سرنوشتی و اتحاد طبقه کارگر در روز جهانی کارگران و در مراکز کار و تولید و در شکل مجمع عمومی و تجمعات و اعتصابات کارگری به واقعیات مادی تبدیل شود، سرنوشت و رابطه کار مزدی و افق اجتماعی جامعه و زندگی میلیونها انسان دگرگون میشود. تأکید بر ایجاد همسرنوشتی و ایجاد یک صف متحد و همبسته برای برگزاری اول ماه مه از مهمترین کاری است که از همین الان باید بفکرش بود. دعوت و مطلع کردن و یا بعبارت امروزی تر پوشش خبری مراسمهای اول ماه مه در تشویق و آموختن و شرکت کارگران و دوستان موثر است. مکانیسم ارتباطات زنده از همه ابزارها موثرتر است. باید برای ایجاد و تحکیم و راه های رسیدن به همسرنوشتی طبقاتی در اول ماه مه از رابطه زنده و فعال استفاده کرد. اگر این تجربه را بخوبی آزمایش و با موفقیت تعداد زیادی از کارگران و خانواده هایشان را برای مراسم روز کارگر بسیج کرده باشیم و از بابت شرکت وسیع مطمئن شویم،

وقت اینکه چطور توطئه و بازی های "مراسمهای" خانه کارگر و دولت و البته اخیراً هم جریان‌ات اصلاح طلب حکومتی از جمله سبزه‌ها را خنثی کنید، میرسد. مهم این است که خشت اول که همان بسیج و ایجاد صف قدرتمند توده‌ای و روحیه همسرنوشتی را ایجاد کرده باشیم. در دنیا مجازی امروز توجه به این نوع از کار و بسیج کارگران و خانواده‌هایشان متأسفانه کم‌رنگ شده. فضای گرمیادداشت اول ماه مه همه جا در سایتها، فیس بوک و توئیتر و کلا در فعالیت مجازی بسیار بالا و برجسته است. این نقطه قوت است. فعالیت مجازی و پمپاژ ایده‌های خوب و دلسوزی برای کارگران و اول ماه مه کافی نیست. هنوز به ابزاری برای بسیج توده‌ای کارگران در ایران تبدیل نشده است. فعالین کارگری و کسانیکه در فکر برگزاری روز اول ماه مه و بفکر تحکیم و قدرتمند کردن هم‌سرنوشتی کارگران هستند، فعالیت تبلیغی حضوری و احساس نزدیکی و اعتماد به کار مشترک ضروری است.

سنت روز جهانی کارگر بر پایه همسرنوشتی جهانی طبقه کارگر و هم‌سرنوشتی کارگران برای نمایش و مارش و اعلام کیفرخواست و مطالبات فوری و سیاسی پایه ریزی شده است. اگر هم‌سرنوشتی و جمع کردن کارگران کم‌رنگ و به هر درجه تحت هر شرایطی صرفاً به اکسیون و تجمعات کم‌قدرت و ضعیف تبدیل شود، یک اول ماه مه هم‌سرنوشت ساز را از دست داده ایم.

در ادامه به مراسمهای دولتی و چه باید کرد تاکیدی دوباره خواهیم کرد و سپس جایگاه و نقش وجود و دفاع از قطعنامه‌های رادیکال بعنوان کیفرخواست جنبش کارگری علیه سرمایه و تجارب این قطعنامه‌ها را مرور خواهیم کرد.

نسان نویدینان ۱۲ آپریل ۲۰۱۱

## اول ماه مه متفاوت! نسان نویدینان

روز جهانی کارگر سال ۲۰۱۱ با وجود شرایط سیاسی کنونی در سطح بین‌المللی، قیام‌های پیروزمندانه در تونس و مصر، تظاهرات‌های کارگری و برابری طلبانه علیه نظام و دولتهای "دمکراسی" و پارلمانی در اروپا، ادامه قیام و اعتراضات توده‌ای در شمال آفریقا و جهان عرب به نسبت سالهای قبل متفاوت تر، موقعیت جنبش کارگری، حرمت و قدرت مزدبگیران جامعه را با پرسپکتیو اعاده قدرت و حق طلبی، روبرو کرده است. جنبش کارگری و جنبش مزدبگیران و کارکنان جامعه در سطح دنیا امروز به آنچه در سالهای گذشته در سطح مطالبات حق طلبانه دائمی و روتین صنفی و سندیکایی مطرح کرده است، نمیتواند راضی باشد. سطح تشکل و خود آگاهی سیاسی و میزان آمادگی این جنبشها بالا رفته و میدانند ماندن در سطح توقعات و مطالبات و تشکل پذیری دفاعی موجود، موقعیت آنها را از آنچه که تاکنون وجود داشته بعقب میراند. در اروپا و غرب سندیکالیستها و اتحادیه‌های کارگری در چالش عمیق با فعالین و رهبران و کل جنبش کارگری قرار میگیرند. واقعیت این است هر اندازه که جنبش کارگری و اعتراضات مزدبگیران و کارکنان جامعه در اروپا رادیکال تر و قوی تر و به اتکا به ابتکارات توده‌ای فعالین و رهبران امروزی و جوان و با سنت ضعیف تر سندیکالیستی پیشروی میکند، "رهبران" و روسای اداری این اتحادیه‌ها و سندیکاهای با دولت و کارفرماها با مشکلات "آرام" کردن اوضاع روبرو هستند. در یونان، آلمان و فرانسه و اعتصابات پیاپی و طرح مطالبات رادیکال افزایش دستمزدها و ایمنی و ساعات کار این وضعیت قابل مشاهده است. این خودآگاهی در این نکته نهفته و نمایان

میشود که جواب به وضعیت کنونی، جهمی که سرمایه برای مزدبگیران جامعه تدارک دیده است، با تعرض و تشکل و اعتراضات خیابانی و اعاده قدرت و دخالت در سیاست عملی میشود. بندهای اصلی خود آگاهی و بیداری سیاسی در خصلت و ذات مضمونی و موج نارضایتی‌های میلیونی قیام‌های توده‌ای و انقلابات کنونی است. این شرایط جنبش کارگری و اول ماه مه را متفاوت کرده است. صف بندی طبقه کارگر و مارشهای کارگری، و دولتها و بورژوازی در کشورهای استبدادی و دیکتاتوری حادث و شدیدتر میشود. دولت و بورژواها در اول ماه مه با کیفرخواست اجتماعی قوی و دگرگون کننده طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه مواجه میشوند. تعرض کوبنده کارگر علیه سرمایه و بورژوازی در راه است.

از چند دهه گذشته دنیا مثل امروز شاهد این همه آرمانخواهی طبقاتی برای نان(رفاه و آسایش و زندگی بهتر)، آزادی و کار(تأمین معیشت و علیه بیکارسازی های میلیونی و فلاکت) نبوده است. دهه های شصت و هفتاد بنام جنبش آرمانخواهی سیاسی و جنبش روشنفکران و جنبش های آزادیخواهانه در تاریخ ثبت شده است. اما، قرن بیست و یک با عقب راندن بخشهایی از آثار خرافات و حملات خونین "نظم نوین جهانی" و افول عریده کشی و قدر قدرتی آنچه که پایان تاریخ و انقلاب، انسانیت و حرمت انسان بود، را با فراری دادن دو دیکتاتور، با نمایش صدها اعتصاب و تظاهرات میلیونی توسط جنبش کارگری که گوشه هایی از حق طلبی و صف بندی جنبش مزدبگیران در جامعه را به صحنه سیاسی و مبارزه طبقاتی در دنیا بر روی صفحات و تصاویر میدیا و رسانه ها مخابره و گزارش کرد، به واقعیتهای غرورآفرینی بجای ناباوری بخود، و قدرت تغییر و دگرگونی، قیام و انقلاب، نشست، و جنبش بیداری سیاسی نام گرفته است.

روز جهانی کارگر در دل این موقعیت برگزار میشود. آیا جنبش کارگری در ایران میتواند مارش جهانی اول ماه مه را با کیفرخواست های رادیکال و انقلابی، با تجمعات توده‌ای و قوی برپا کند. و امید افق به دخالت سیاسی را در جامعه بدهد؟ موقعیت کنونی جنبش کارگری در ایران هم اکنون با اعتصابات گسترده و نارضایتی های وسیع رقم میخورد. در حال حاضر در چند مرکز تولیدی و کارخانه ها از جمله مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر اعتصابات در سطح هزاران نفری جریان دارد. موج نارضایتی های کارگران و اعتصابات را جامعه و شهروندان عادی می بینند. جنبش کارگری امروز در موقعیت دیرو نیست. اعتصابات چند روز گذشته و حمایت بخشهای دیگر کارگران از این اعتصابات، و تداوم آن خود گواه تغییر چهره و مطالبات اعتراضات و اعتصابات دوره جدید است.

دولت و بورژوازی نیز امسال را با پیام خامنه ای جنایتکار "جهاد اقتصادی" با حمله به معیشت و حقوق کارگران نامگذاری کرده اند. برای طبقه کارگر مساله کاملاً روشن است. میخواهند ریاضت کشی اقتصادی و بار سنگین بحران سرمایه داری کنونی را بر زندگی شهروندان مزدبگیر و کارکنان جامعه تحمیل کنند. اول ماه مه باید به روزی برای جلوگیری از تحمیل بار سنگین این وضعیت فلاکتناز و برای دفاع از حرمت و کرامت انسانها که زیر فشار سنگین فلاکت، بیکاری و نداری به حاشیه جامعه رانده شده اند، و یا بخش های وسیعتری از آنها که در مراکز کار و تولید و کارخانه ها هستند و برای بقا تداوم بی رمق زندگیشان شبانه روز تلاش میکنند، و با رنج و مشقتهای بی پایان زندگی خود و خانواده‌هایشان را تأمین میکنند، نوید بخش افق مبارزه و

و اعتراضات سراسری باشد.

مصافه‌های برپایی جنبش اول ماه مه و مارش جهانی کارگران در ایران تحت حاکمیت استبداد سیاسی با موانع جدی و در صورت عدم آمادگی طبقه کارگر، فعالین و سازماندهندگان این جنبش با تلاشهای سرکوبگرانه سپاه پاسداران و دولت نظامی احمدی نژاد با ناکامی روبرو خواهد شد. راه حل جواب به ترفند و اقدامات پلیسی و امنیتی دولت، دعوت و کار هرکولی برای ایجاد هم‌سرنوشتی و بسیج کارگران و خانواده‌های آنان است. رمز پیروزی در بسیج توده‌ای و آوردن آن هزاران کارگر و خانواده‌هایی است که در طی سی سال حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی برای ابراز وجود طبقاتی خود و مارش جهانی اول ماه مه تجارب با ارزشی اندوخته اند. جمع‌بندی تجارب تاکتونی برپایی اول ماه مه های موفق، بکارگیری ابتکارات فعالین کارگری در بسیج و سازماندهی و آوردن بخشهایی وسیعتر کارگران شاغل و بیکار به این مراسمها است.

مشکل دیگر در اوضاع کنونی صفی وسیع و میلیونی از کارگران بیکار است. اوضاع فلاکتناز کنونی بر زندگی و شادابی و تحرک میلیونها خانواده کارگری تأثیر گذار بوده است. در اول ماه مه ایجاد هم‌سرنوشتی کارگران و تشویق کارگران بیکار برای شرکت در مارش و مراسمهای اول ماه مه نیز حائز اهمیت است. هر درجه تلاش برای دخالت رهبران و فعالین در بخشهایی که با کارگران بیکار ارتباط دارند، به توده‌ای کردن مارش جهانی کارگران و هم‌سرنوشتی و یکدست کردن مطالبات و خواسته‌های این جنبش کمک بزرگی خواهد بود. در کنار سرکوب و شرایط امنیتی و پلیسی جمهوری اسلامی، شقه شقه شدن طبقه کارگر و وجود میلیونی کارگران بیکار و خانواده‌هایشان خنثی و بی اثر کردن تفرقه و توطئه های دولت و کارفرماها در صفوف طبقه کارگر، حل مشکلات و جواب به حل این مصافها از رهبران عملی و فعالین برپایی جنبش و مارش روز جهانی کارگر، توجه جدی به امر برپایی تجمعات و مجمع عمومی های وسیع و ادامه دار به منظور جمع آوری رای و آرا و مشورت زنده کارگران در جهت حل اوضاع کنونی، و هموار کردن راه های برپایی و سازماندهی اول ماه مه قدرتمند از هر دوره ای اهمیت ویژه و بالایی دارد.

نسان نویدینان 15 آپریل 2011

### برگی از تاریخ

**تشکیل اتحادیه بیکاران و صندوق حمایت از کارگران بیکار!**  
**خطراتی از قیام 57!**

در قیام ۵۷ در شهر مریوان اکثر شرکت‌های دولتی و ساختمان سازی و بسیاری از کارگاه‌ها و محل های کار که کارگران در آن مشغول بکار بودند تعطیل شدند. این وضع باعث بیکاری تعداد زیادی از کارگران شد و بیکار به معضل عمومی و جدی کارگران تبدیل گردید. این بیکاری وسیع در شرایطی پیش آمده بود که کارگران دارای هیچ نوع بیمه ای اعم از بیمه بیکاری و درمانی نبودند. در نتیجه این بیکاری و نداشتن امکان معیشتی کارگران و خانواده‌هایشان در شرایط سختی بسر میبردند. بامشاهده این وضعیت فعالین سیاسی و کمونیستها در شهر مریوان جلسه ای راجع به این مسئله و بحث و تبادل نظر برای پیدا کردن راه حلی برای رفع این مشکل گرفتند. در این جلسه بر سر تشکیل اتحادیه بیکاران به توافقی رسیدیم و قرار بر این شد با طیف وسیع تری از مبارزین و انقلابیون و جمعی از فعالین کارگری شهر آن را به بحث و تبادل نظر بگذاریم. در نتیجه این جلسات

بر سر متشکل کردن کارگران بیکار در اتحادیه بیکاران و تشکیل صندوق بیکاری برای پرداخت وام به کارگران بیکار توافق حاصل گردید. برای جمع آوری کمک به این صندوق دست بیکار شدیم. کارگران بیکار را به یک مجمع عمومی فرا خوان دادیم. این جلسه عمومی کارگران در میدان بلوار هزاره رو به روی سینما برگزار شد.

با پخش خبر این جلسه در شهر، مکتب قرآنی های طرفدار مفتی زاده که از حزب الله ای ها و جریانات اسلامی طرفدار خمینی حمایت می کردند برای کار شکنی و مخالفت با کمونیستها و جذب کارگران به مکتب قرآن در مجمع عمومی سر و کله شان پیدا شد. بعد از بحثهای ما که اساساً حول مسأله بیکاری و تشکیل صندوق مالی و کمک به بیکاران بود آنها هم به بحث حول مکتب قرآن و اسلام و تبلیغ علیه کمونیستها و... پرداختند. سرانجام انتخابات وجدل حول این مسأله شروع شد. در جریان انتخابات برای مسئولین اتحادیه و صندوق کمک مالی، آنها تلاش می کردند که با برخ کشیدن حمایت سروان مداحی فرمانده پادگان و ارتباط او با جریان خمینی و کمکهای بیشتر مالی و حمایت ثروتمندان شهر کارگران را از مسیری که هدف آن متشکل کردن کارگران در اتحادیه و حول صندوق بیکاری بود باز گردانند و به طرف مکتب قرآن بکشانند. آنها فردی را به اسم محمدناهدی مشهور به (حمه چاوه) که قبلاً بنا بود و مدتها بود مغازه مصالح ساختمانی و وسایل ماشین آلات باز نموده و از بنیای دست کشیده بود به عنوان نماینده کارگران معرفی و از کارگران خواستند که به او رای بدهند. به این منظور تعدادی از هوادارن مکتب قرآنیها راه این جلسه آورده بودند تا از انتخاب نمایندگان واقعی کارگران جلو گیری کنند. محمد ناهیدی که از سرمایه داران شهر بود خود را کاندید کرد و تعدادی دیگری از طرف کارگران و شرکت کنندگان در مجمع عمومی کاندید شدند. در نتیجه انتخابات پنج نفر به عنوان نماینده کارگران به اسمی استاد حاتم کارگر گچ کار، حبیبی الله کارگر ساختمانی، عطا رستمی، غلام قاسم نژاد و عثمان روشن توده به عنوان کمیته انتخاب شدند. وقتی معلوم شد محمد ناهیدی رای نیابورده است مکتب قرآنی ها که اکثرآ از طرفداران رژیم سابق بودند به منظور برهم زدن این تشکل جنجالی بپا کردند که در نتیجه دخالت کارگران و مبارزین آگاه شهر خنثی شد. کمیته انتخاب شده در اولین نشست رفیق غلام قاسم نژاد را به عنوان مسئول مالی و صندوق دار این کمیته انتخاب کرد. رفیق غلام همراه کمیسون مالی، صندوق را در سطح شهر می چرخاند و مخصوصاً هنگامی که کارمندان حقوقهایشان را می گرفتند صندوق را به جلو بانک می برد و توانست بافعالیت خستگی ناپزیر خود مقدار پول خوبی به صندوق واریز کند. کمیته لیستی از کلیه کارگران بیکار تهیه نمود و به ترتیب اولویت به آنها وام بلاعوض پرداخت می کرد. در این رابطه مکتب قرآنی ها که از طریق سروان مداحی فرمانده پادگان مریوان با اسلامی های طرفدار خمینی در ارتباط بودند و از این طریق پول دریافت می کردند دست بیکار شدند. پای تعدادی از کارگران را به مکتب قرآن کشیدند و به آنها پول پرداخت می کردند. در نهایت تعدادی از این کارگران را مسلح نمودند و به کمک سپاه پاسداران مقری در شهر دایر نمودند. بعداً از این مقر به روی تظاهرات مردم تیر اندازی کردند و مردم شهر به این مقر حمله نمودند و در جریان تسخیر آن تعدادی از هر دو طرف کشته و زخمی شدند.

رفقای کارگر! تجربه ایجاد صندوق مالی کمک به کارگران بیکار در سی سال قبل انجام شده است. این تجربه به چند فاکتور اجتماعی منکی بود. قبل از هر چیز شرکت و دخالت فعال بخشهایی از کارگران پیشرو و حل مشکلاتی که هزاران خانواده کارگر در نتیجه اوضاع بحرانی و تغییراتی که در دستگاه حاکمیت و ارگانهای دولتی ایجاد شده بود. صندوق به منظور کمک به کارگران بیکار تشکیل شده بود. این تجربه موفق بود. در شرایط کنونی که تعطیلی کارخانه و مراکز تولیدی به بیکارسازی وسیع و گسترده دامن زده، هر روز بر تعداد بیکاران افزوده میشود، ایجاد تشکل کارگران بیکار و طرح

حقوق و مزایای کافی به کارگران بیکار بسیار ضروری شده است. تجمعات و مراسمهای اول ماه مه بهترین فرصتی است که کارگران بیکار برای ایجاد این تشکل و طرح مطالبات و حقوق و مزایای کافی برای کارگران بیکار تلاش کنند.

لازم است از نقش تعدادی از رفقایایی که در رابطه بالین تشکل نقش فعال داشتند و اکنون در میان مانیتسند یاد کرد. این رفقا عبارتند از فواد مصطفی سلطانی، عطا رستمی امین مصطفی سلطانی، موسی شیخ اسلامی، عبدالله نودینیان، حسین پیر خضری ..... و به اضافه تعداد دیگری که خوشبختانه در قید حیات اند.

عبدالله کهنه پوشی (عبه ی شیخ عزیز)  
22 آوریل ۲۰۱۱

### برگی از تاریخ خاطرتی از قیام ۵۷ به مناسبت اول ماه مه

سال ۱۳۵۸ هنگامی که شهر های کردستان در تصرف سازمانهای سیاسی بود، در روز اول ماه مه از طرف کمیته ناحیه و تشکیلات شهر کو مه له در شهر مریوان اطلاعیه ای صادر نمودیم. در این اطلاعیه روز اول ماه مه را تعطیل اعلام نموده و از کارگران خواستیم به سر کارهایشان نروند و این روز را جشن بگیرند و همچنین از کار ر فرمایند خواستیم حقوق کارگران را در این روز پرداخت کنند. ما خود را برای برگزاری جشن اول ماه مه آماده کرده بودیم و قرار بر این شد که رفیق عطا رستمی سخنران مراسم باشد. در نزدیکیهای ظهر با خبر شدیم کارگرانی که از طرف شرکت مخابرات برای کندن کانال کابلهای تلفن در سطح شهر استخدام شده بودند به سر کار رفته و شرکت مخابرات به اطلاعیه ما و جشن اول ماه توجهی ننموده بودند. در نتیجه من با تعداد دیگری به محل کار آنها که در خیابان فرمانداری مشغول بکار بودند رفتیم از کارگران پرسیدیم چطور است که کار را تعطیل نکرده. توضیح دادیم که در این روز به غیر از ایران و کشورهای مشابه آن در اکثر کشورهای جهان کارگران کار را تعطیل میکنند و این روز را جشن میگیرند. آنها در جواب ما گفتند اگر کار را تعطیل می کردیم بما پولی بابت امروز پرداخت نمی کردند، بنا بر این ماناچاراً به سر کار آمده ایم. ما به کارگران اعلام کردیم همگی از کار دست بکشند و کارفرما را ناچار کردیم همه کارتهای کارگران را امضا و پول آنروز را پرداخت نماید. بعداً کارگران را به مراسم دعوت. و در صفهای منظم آنها را به جلو مسجد جامع آوردیم. رفیق جانباخته عطا رستمی برای شرکت کنندگان در مورد اول ماه و تاریخچه آن برای حاضرین سخنرانی کرد.

یک کارگر جوشکار که نماینده کارگران مریوان در شورای شهر بود به اسم استاد غلام جوشکار، با چکش و ابزار کارش در مراسم شرکت کرد و بعد از سخنان رفیق عزیزمان عطا رستمی برای شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی پرشوری در مورد رنج و محنت کارگران و ظلم و ستم سرمایه داران استثمارگر بر کارگران و ضرورت مبارزه متشکل و متحدانه نمود. سخنان استاد غلام شور و هیجان به مراسم بخشید و مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

کارگران مبارز و رهبران عملی کارگران!

اگر در ۳۰ سال پیش باتوجه به در دسترس نبودن امکانات و محدودیت وسایل خبر رسانی و سطح سواد و آگاهی جامعه کارگران باحقوق و مزایای خویش به خوبی آگاه نبودند و

تعطیلی اول ماه مه با حقوق کامل و انجام تظاهرات و جشن و مراسم در این روز را جزو حق مسلم خود نمی دانستند، امروز باتوجه به سطح آگاهی جامعه و رشد تکنولوژی و وسایل خبر رسانی و تجارب غنی و پرربار مبارزات طبقه کارگر در جهان، تعطیلی اول ماه مه، تظاهرات، مراسم های جشن، صدور قطعنامه و اعلام خواست و مطالبات خود به دولت و کارفرماها و سرمایه دارن انتظار زیادی از طبقه کارگر نیست.

باید تلاش نمود تا کارگران و انسانهای آزادیخواه در این روز به حرکت طبقاتی خود بهر شیوه ممکن دست بزنند.

زنده باد هم سر نوشتی طبقه کارگر ،

زنده باد اول ماه مه روز هم سر نوشتی طبقه

کارگر جهان.

عبدالله کهنه پوشی (عبه شیخ عزیز)

۲۰ آوریل ۲۰۱۱

### مروری بر رویدادهای عراق و کردستان عراق (از 8 مارس تا 23 مارس)

#### بخش دوم؛ مقدمه

در کردستان عراق همچون دیگر نقاط در منطقه خاورمیانه اعتراضات و اعتصاب و تظاهراتهای علیه حاکمان برای شرایط بهتر زندگی، علیه فقر، بیکاری و فساد اداری و به منظور ایجاد تغییری بنیادی در جریان است. بیش از چهار هفته از اعتراضات توده های مردم و جوانان میگذرد. جنبشهای اجتماعی گوناگونی با اهداف و امیال گوناگونی شرکت دارند. آنچه عراق و کردستان عراق را از دیگر جوامع عربی جدا می سازد وجود احزاب کمونیسم کارگری است. این ویژگی در بیان خواست و امیال توده ها و در افق و تصاویری که هر جنبشی از این اعتراضات دارد متفاوت میسازد. ناسیونالیستهای ناراضی از این شرایط، برای شرکت و کرسی و امکانات بیشتر از ثروت و پول و قدرت بر روی این اعتراضات حساب باز کرده اند. جریانات اسلامی افق خود را دارند. میدانداري جریانات اسلامی با همکاری احزاب حاکم در دو دهه گذشته لکه ننگینی است که بر دامن و پرونده احزاب میلیشیای حاکم ثبت شده است.

به منظور در جریان قرار دادن رویدادهای عراق و کردستان عراق، دومین شماره را منتشر میکنم. **9 مارس** - در میدان آزادی شهر سلیمانیه تظاهرات ادامه دارد. دانشجویان و اساتید دانشگاه در پشتیبانی از این اعتراضات از دانشگاه به طرف این میدان راهپیمائی نمودند. در شهر کفری تظاهراتی بر پا شد، هنوز چند دقیقه ای از این حرکت اعتراضی نگذشته بود که میلیشای احزاب حاکم با کتک کاری تعدادی از تظاهر کنندگان از مسئولین برگزاری تظاهرات خواستند که از مردم بخواهند محل را ترک کنند. احسان ملا فواد یکی از سازماندهندگان تظاهرات می گوید که به ما فشار آوردند و به همین خاطر تظاهرات را به پایان رساندیم. سندیکیای روزنامه نویسان در بیانیه ای در این روز تعرض و فشار به روزنامه نگاران و سوزاندن کانال های تلویزیونی را محکوم نمود. در شهر کویه اعتراضات ادامه دارد.

برهم صالح رئیس دولت کردستان در پارلمان در رابطه با رویدادهای اخیر به چند نکته اشاره نمود. او عکس العمل نیروهای امنیتی را در

رابطه با رویدادهای 17 فوریه نامسئولانه توصیف نمود و گفت 2 نفر از کسانی که به تلویزیون نالیا حمله کرده بودند شناسایی شده اند. این در حالی است که مردم و نیروهای اپوزیسیون همان روز اول بر اینکه این اقدام از جانب ملیشای احزاب حاکم صورت گرفته تاکید نموده و با تعقیب محل نگه داری تعدادی از زخمیهای این حمله محل نگهداری آنها را در بیمارستان هولیر بخش زنان افشا نموده بودند و سخنان به رهم صالح را تظاهر کنندگان میدان آزادی در همان محل رد نموده و خواستار استعفای دولت وی شدند.

**10 مارس** - تهدید روزنامه نگاران و رسانه هایی که در انعکاس اخبار اعتراض مردم نقش دارند ادامه دارد. اسعد علی اسماعیل سردبیر هفته نامه (بوچون) در اطلاعیه ای اظهار داشته که همکاران این هفته نامه مورد تهدید قرار گرفته اند. و مسئولیت حفاظت از جان کارمندان خود را به عهده دوحزب حاکم انداخته است.

بیش از 30 نفر از رانندگان تاکسی در شهر دھوک در یک حرکت اعتراضی بخشی از شاهراه اصلی این شهر را بسته و به کمبود بنزین اعتراض نمودند. در همین روز در مرز باشماخ بیش از 2000 نفر از رانندگان اتوموبیلهای سنگین در اعتراض به بیکاری و شرایط کاری خود اعتراض نمودند. این دومین بار در همین چند روز است که این رانندگان اعتراض می کنند.

در شهرهای سلیمانیه، بخش تق تقان، شهر قلعه دزی تظاهرات ادامه دارد.

مرکز خبری کردستان در رابطه با احضار رئیس حکومت کردستان به پارلمان و سخنان وی از **عثمان حاج ماریف دبیر اول حزب کمونیست کارگری عراق** نظرشان را پرسید. عثمان حاج ماریف در جواب گفت که "حضور رئیس حکومت در قدم اول نشانه فشار اعتراضات مردم بود که وی مجبور به حضور در این پارلمان شد، اما تا آنجا که به جواب او به سوالات طرح شده برگردد وی تاکید نمود که این عملا ظفره رفتن بود چرا که او لا عاملان 17 فوریه، حمله به تلویزیون نالیا، در یک کلام به هیچ یک از مسائلی که از جانب مردم مطرح شده جوابی نداده است. او در بخش دیگر از مصاحبه اظهار داشت که "جلسه پارلمان دیروز این واقعیت را آشکار نمود که از این دولت کاری نشدنی و بهبوده است. نه پارلمان و نه حکومت اینها اعتباری نزد مردم ندارند. و نه جای اعتماد است برای جواب دادن به خواست مردم ..."

**11 مارس** - خسرو سایه از **اعضا دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری کردستان** در مصاحبه ای که با مرکز خبری کردستان در رابطه با اطلاعیه نیروهای چپ و دموکراتی خواه به تاریخ این روز مصاحبه ای ترتیب داد در این مصاحبه خسرو سایه گفت: "این جلسه در رابطه با رویدادهای اخیر در کردستان و به منظور صف متحد نیروهای چپ و دموکرات در این تحولات است. هدف این است که چپ در این تحولات بتواند توانایی دخالتگری خود را بالا برده و مطابق پلانفرمی روشن خواستهای سیاسی و اقتصادی مردم را در خود بگنجانده ... او گفت سیاستی که ما چون حزب دنبال می کنیم گسترش و سراسری کردن این اعتراضات است و تلاشی است برای انتقال این اعتراضات به تمامی محلهای کاری، دانشگاهها، شهر و شهرکهای مختلف تلاش ما این است که چپ چون قطبی در این اعتراضات ظاهر شود. و به این منظور تمام این خواستها را بتوانیم در پلانفرمی جمع کنیم.

در این روز در شهر بغداد با شرکت صدها نفر از مردم تظاهراتی در میدان تحریر این شهر علیه بیکاری و فقر و شرایط بد زندگی مردم صورت گرفت. در شهرهای نجف، دیوانیه و فلوجه نیز تظاهراتی علیه فقر و بیکاری و علیه دستگیرهای وسیعی که از چند روز پیش در شهر فلوجه آغاز شده بودند، ادامه دارد.

در شهر هولیر احزاب ملیشای حاکم برای جلوگیری از انجام هر حرکت اعتراضی نیروهای امنیتی را با لباس شخصی در سطح شهر پخش کرده اند.

تظاهرات در شهرهای سلیمانیه، رانیه، کوبه و چم جمال ادامه دارد. انجمن موقت میدان آزادی در بیانیه 12 خود ایجاد شرایط نظامی در هولیر را محکوم نمود. **12 مارس** - میدان آزادی سلیمانیه اعتراضات به شیوههای مختلف از اعتصاب و بست نشستن تا تظاهرات و سخنرانی و ... ادامه دارد. در شهر پنجوین اعتصاب رانندگان ماشینهای سنگین وارد سومین روز خود شد. در شهر کوبه تظاهرات ادامه دارد جوانان نسل بعد از خیزش 91 از مردم این شهر خواسته اند که وسیعا در تظاهرات شرکت کنند و تظاهرات در این شهر ادامه دارد. در جم جمال تظاهرات ادامه دارد.

در شهر پنجوین بعد از اظهارات مسعود بارزانی که اگر 50 هزار نفر مردم خواستار استعفای وی شوند او استعفا خواهد داد کمپین "من تو را بعنوان رهبر قبول ندارم" با جمع آوری امضا شروع بکار کرده و ظرف چند ساعت صدها نفر مردم در این شهر از این کمپین حمایت نمودند.

انجمن موقت میدان آزادی در اطلاعیه همه افکار عمومی از توطئه ای که احزاب ملیشا برای دستگیر و اقدام به ترور رهبران اعتراضات مردم در دستور دارند مطلع نمود و در این اطلاعیه که برای همه رسانه های عمومی ارسال شده انجمن موقت دولت را مسئول حفاظت از جان این رهبران دانست.

**حزب کمونیست کارگری کردستان** عراق طی نامه ای سرگشاده به انجمن موقت میدان آزادی در رابطه با نامه رئیس دولت تحت عنوان "جواب رئیس حکومت برای خواست های مردم" تاکید نمودند که بیش از 20 سال است که وعده وعید داده می شود و هیچ اقدامی صورت نگرفته لذا مردم حق دارند با دید تردید به این جواب نیز بنگرند. حزب کمونیست کارگری کردستان در ادامه نوشت که برای تحقق خواستهای مردم لازم است دولت ابتدا شرایط زیر را فراهم نماید.

1- انجمن موقت را بعنوان نماینده مردم برسمیت شناخته و در رسانه های گروهی این مرجع را بشناساند و در رابطه با خواستهای مردم با این انجمن مذاکره نماید.  
2- تعیین سقف زمانی برای برچیدن مقرات احزاب مسلح در تمامی شهرهای کردستان.  
3- شناسی و معرفی کسانی که در روزهای 19، 17 و 26 فوریه در رویدادهای که در شهرهای سلیمانیه، هه لجه، کلار و چم جمال و آتش زدن دفتر تلویزیون نالیا و رویدادهای دستگیری و دزدین مردم معترض  
4- متوقف نمودن تهدید و آزار مردم به جرم شرکت در اعتراضات.

5- آزادی تمامی دستگیر شدگان اعتراضات توده ای بدون قید و شرط در تمامی شهرها. اعلام آزادی بی قید و شرط ابراز عقید و نظر و آزادی بی قید و شرط سیاسی و لغو قانون اعتراض و برپائی تظاهرات به شیوه ای رسمی.

6- برچیدن شرایط و فضا نظامی حاکم بر شهرها خصوصا شهرهای کلارو هولیر.

7- تعیین سقف زمانی معینی برای برآورده کردن خواسته های طرح شده از جانب انجمن موقت.

**13 مارس** - مردم با ایجاد کمپینهای مختلف نارضایتی و اعتراض خود به حاکمان جامعه را اعلام می کنند در شهرک مخمور کمین دفاع از حقوق پایه ای مردم ایجاد شد و در اطلاعیه خود تلاش برای تحقق خواستهای مردم را تاکید نمود. در کانادا نیز کمپین "من تو را بعنوان رهبر قبول ندارم" شروع بکار نمود.

سه تن از استادان دانشگاه صلاح الدین اعلام نمودند که از طریق موبایل مورد تهدید قرار گرفته اند و روشن نمودند که پشت این تهدیدها جریانی سیاسی قرار دارد آنها شماره تلفن مزبور را علنی نمودند.

تظاهرات در میدان آزادی ادامه دارد و تعدادی از جوانان از شهرهای کلار و پیرمگرون برای شرکت در این تظاهرات به سلیمانیه آمدند. در دیگر شهرها نیز تظاهرات ادامه دارد. مردم از شهرک چوارقورن وارد شهر رانیه به منظور شرکت در تظاهرات شدند.

**عثمان حاج ماریف دبیر اول حزب کمونیست کارگری کردستان** در رابطه با احزاب اپوزیسیون و دور نقششان در مصاحبه ای با نشریه اکبر گفت "اعتراضات توده ای مردم در کردستان خواست روشن خود از بیزاری مردم از حاکمیت احزاب ملیشا پارتی و اتحادیه میهنی است اما احزاب اپوزیسیون (گوران و جریانات اسلامی) اهداف و منافع خود را با احزاب حاکم دارند، بیشترین خواست اینها کسب موقعیت بهتر بر ای جریانشان است. و در همین چهارچوب نیز خواستار تغییراتی در نظام حاکم هستند. تلاش آنها برای کانالیزه کردن اعتراضات در چهارچوب همین اهداف تحت شعارهای انتخابات پیش از موعود، بازسازی دستگاههای حکومتی، آشتی و یا ایجاد دولت تکنوکرات. او تاکید نمود که خواست اعتراضات مردم برانحلال نیروی ملیشای احزاب، بالا بردن سطح معیشت مردم، کار یا بیمه بیکاری و حکومت نماینده واقعی مردم و .... است.

**14 مارس** - اعتراض و تظاهرات آنها ادامه دارد در نتیجه اعتراضات در خارج کشور دولت انگلستان به دولت عراق و کردستان در رابطه با پایمال کردن حقوق مردم معترض اعتراض کرده است. در سازمان ملل قرار شد نماینده ای جهت بررسی نقض حقوق بشر از طرف دولت حاکم به کردستان اعزام شود.

کمپین دفاع از حقوق معلمان در نشست خود بر خواستهای معلمان برای شرایط بهتر زندگی و خواست اعتراضات توده ای مردم تاکید نمود.

زندانیان سیاسی زمان بعث در تظاهراتی بطرف میدان آزادی سلیمانیه از خواستهای مردم معترض حمایت نمودند.

**15 مارس** - بیش از 60 نفر از کارگران شهرداری شهر سید صادق دست به اعتصاب زدند. این کارگران اعلام نمودند که بیش از 5 سال است که شهرداری با دستمزد کم و بشیوه قراردادی کار کرده اند. خواست این کارگران استخدام رسمی و بالا بردن دستمزد است. شهردار سید صادق در مصاحبه ای با سایت سبه ی گفت که ما خواست این کارگران را به دولت اعلام نموده ایم و هیچ جوابی دریافت نکرده ایم. در حمایت از تظاهراتی میدان آزادی سلیمانیه در شهر خرمال تظاهراتی برپا شد.

**16 مارس** - احزاب ملیشا همچون روزهای قبل برای جلوگیری از برگزاری هر حرکت اعتراضی در این شهر دروازه های شهر هولیر را بشدت کنترل کرده و از رفتن مسافران که از منطقه سلیمانیه به این شهر عازم هستند جلوگیری می کنند. از طرف دیگر اتحادیه میهنی در شهرهای سلیمانیه و اطراف با زور و تهدید کارمندان ادارت را وادار به شرکت در مراسمهایی که به مناسبت بمباران هه لجه برگزار شد، می کند.

در میدان آزادی سلیمانیه دهها هزار نفر برای گرامی داشت یاد بمباران هه لجه و یاد جنبش شورای تجمع نموده اند در این روز در یاد جنبش شورای کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان سخنرانی کردند. که در زیر به چکیده از سخنان آنها اشاره می شود.

**سالار آهنگر (سالار آسنگر)** گفت "از سال 1991 تا کنون تعداد زیادی جان خود را از دست دادند از ریختن خون بکر علی تا درگیریهایی قلعه علی ناجی، جنبش شما جنبش یک کاسه کردن ایدئولوژی ناراضی درون احزاب حاکم نیست، با اپوزیسیون همگی باید بر خواستهای این جنبش که همانا حق شهروندی مساوی برای همه شهروندان، آزادی بی قید و

اپوزیسیون همگی باید بر خواسته‌های این جنبش که همانا حق شهروندی مساوی برای همه شهروندان، آزادی بی قید و شرط سیاسی، کار یا بیمه بیکاری، بیرون رفتن حزب مسلح... تاکید کرد.

**نوزاد بابان از اعضای انجمن موقت میدان آزادی گفت:** بیست سال قبل در همین محل همانگونه که رفیق نوری بشیر اشاره نمودند تعدادی از عزیزان شما در جنبش شورای جان خود را از دست دادن جا دارد در یاد روز جنبش شورای یاد این عزیزان که عکسهای آنها را در اینجا می بینید، گرامی بدریم.

**نوری بشیر** در سخنان خود اشاره نمود: این اولین جنبش اعتراضی ما نیست سال 91 در همین روز در این میدان جمع شدیم، میخواستند نیروهایمان را پراکنند، ده ها دسیسه و تهدید را بکار بردند، امروز نیز باید هوشیار بود نباید اجازه داد مجددا سنابوری پیش تکرار گردد. او تاکید نمود که باید اعتراضات را به مظهر کار محلات و همه جای کردستان کشاند او گفت ما خواهان اعمال اراده مردم هستیم....."

**17 مارس-** حزب دموکرات کردستان عراق با تمام امکانات نظامی و ایجاد فضای نظامی، کنترل دروازه های منتهی به شهر هولیر و تعطیلی دانشگاه صلاح الدین می خواهد جلو گسترش اعتراضات به این شهر را بگیرد. این درحالی است که از جانب اقلیت مختلف مردم پیامهای برای مردم معترض میدان آزادی و در حمایت از خواستههای آنها ارسال میگردد.

در نتیجه اعتراضت مردم برای شناسائی و محاکمه کسانی که در کشتن تظاهر کنندگان یا سوزاندن میپدای آزاد نقش داشته اند، برهم صالح در پارلمان گفته بود که دوتن از آنها شناسایی و دستگیر شده اند. امروز این دوتن به اسامی سروان (عه مید) جلال ناجی قادر مسئول خبری نیروی پیشمرگه و روز بهجت عونی از نیروه های ضد ترور دولت دو متهمی بودند که در دادگاه محاکمه شده اند. تا کنون هیچ اطلاعاتی در این مورد به بیرون درز نکرده است.

ایوب رسول یکی از معترضین میدان آزادی سلیمانیه که 23 روز است در اعتصاب غذا بسر می برد بنا به درخواست معترضین میدان آزادی به اعتصاب غذای خود پایان داد او گفت در این مدت شخصیتهای زیادی از دو حزب حاکمه از او خواسته بودند که به اعتصاب خود پایان دهد اما او قبول نکرده بود اما اینبار به درخواست تظاهرکنندگان میدان آزادی اعتصاب غذای خود را به پایان میرساند.

در میدان سرای آزادی انجمن موقت در سخنانی اعلام نمود که امروز یک ماه از اعتراضات مردم میگردد احزاب، انجمنها، شخصیتهای زیادی از این اعتراضات حمایت کرده اند اما هنوز دولت اقدامی انجام نداده از تمامی این جریانات و شخصیتها خواست که به هر شیوه ای که می توانند به احزاب حاکم فشار بیاورند.

با وجود فشار نیروهای ملیشای احزاب حاکم برای انجام ندادن تظاهرات در شهر هلبجه مردم این شهر در بازار شهر تظاهراتی برپا کردند در شهر قلعه دزی نیز تظاهراتی برگزار گردید.

ناسک قادر یکی از اعضا انجمن موقت میدان آزادی در نامه جلال طالبانی رئیس جمهور عراق برای معترضان میدان آزادی را خواند و در جواب گفت مردم معترض اقدام عملی میخوانند نه گفتار، او گفت ما خواهان محاکمه تمامی دست اندرکاران حمله های چند روز اخیر به مردم معترض هستیم.

در این روز **آسو کمال** از **اعضا رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان** از طریق رادیو نوا و تلویزیون کی ان ان مصاحبه های داشت. همچنین نورا بابان و عرفان

کریم در میدان آزادی با تلویزیون عربی رشید در رابطه با رویدادهای اخیر مصاحبه داشتند.

**18 مارس-** تظاهرات و اعتراضات سوی سرای آزادی سلیمانیه مردم در تق تقان و برده قارمان به این اعتراضات پیوستند. نیروهای احزاب حاکم در دروازه ناسلوج از ورد اینها برای پیوستن به تظاهر کنندگان میدان آزادی جلوگیری نموده بودند. همزمان اعتراضات در جم جمال، هلبجه و گویه ادامه دارد. در میدان سرای آزادی برای دومین روز نمایشگاه عکس و تصویر از شوراها سال 91 به نمایش گذاشته شده که مردم زیادی از آنها دیدن کردند.

**19 مارس-** تظاهر کنندگان از شهرهای کویه و خانقین وارد میدان سرای آزادی سلیمانیه شده و مورد استقبال قرار گرفتند. در حاجی آباد و جم جمال اعتراضات در اشکال مختلف بویژه در شکل تظاهرات خیابانی ادامه دارد.

در این روزها احزاب حاکم به مناسبت مباران شیمیائی هله بجه، یاد تصرف شهرها توسط مردم در 91 و جشن نوروز تلاش کرده اند برنامه های خود را داشته باشند. انجمن موقت میدان آزادی نیز در همین مناسبتها برنامه های خود را داشته. در شهر هلبجه مردم مراسم این احزاب را تحریم نمودند. انجمن موقت برنامه ای را برای برگزاری مراسم نوروزی اعلام نمود. که شامل برنامه هنری و سخنرانی خواهد بود.

**9 حزب و جریان سیاسی (احزاب حاکم و اپوزیسیون) در بیانیه ای تحت عنوان "پیمان نامه تازه"** توافق نموده اند. که هیچ حزبی در پروسه تحولات سیاسی از نیروه های نظامی خود استفاده نکند. و هیچ حزبی نیروه های نظامیش در در کشمکشهای داخلی علیه احزاب دیگر بکار نگیرد. هیچ حزبی مردم را علیه حزب دیگری به خیابان بکشاند. که منجر به آتش کشاندن دفتر دیگری، یا کشتن اعضا آنها گردد. لازم است همه به حفظ یکپارچی مردم کردستان متعهد شوند.

**در این رابطه عثمان حاجی مارف دبیر اول حزب کمونیست کارگری کردستان عراق** در مصاحبه ای با رادیو هاویشتی گفت " این گونه پیمان نامه هیچگاه جای اطمینان برای حفظ امنیت شهروندان نبوده است. چرا که مشکل اصلی نیروهای ملیشای این احزاب است، باید به نقش و دور این نیروه ها پایان داده شود. این خواست امروز مردم معترض است. انجلاال نیروهای مسلح احزاب و برچیدن مقرات و پایگاههای آنهاست. ... او در بخش دیگری از سخنان خود گفت که تجربه مردم کردستان نشان داده است که چنین پیمان نامه هایی میان احزاب ملیشای در چند دقیقه در هر تند پیچی در مناسباتشان به زیر پایش می گذراند. اینها نشان داده اند در اختلافات خود نمی توانند دست به برخوردهای نظامی زنند. در ضمن آنچه از همه مهمتر است و جای تردید دارد این است که این 9 حزب با محتوای پیمان نامه شان به مردم بگویند و دارند نیروهای خود را برای مقابله با خواست مردم آماده می کنند. تا اوضاع را آرام نموده و شرایط را برای تقسیم قدرت در میان خود مهیا سازند. ... لذا نباید مردم معترض هیچ چشم امیدی به چنین توافقاتی داشته باشند و باید نیروهای خود را متشکل تر برای تحقق خواستههای خود آماده کنند...."

**20 مارس-** امروز دهها هزار نفر در جواب به فراخوان انجمن موقت، سرای آزادی در سلیمانیه در برنامه های این انجمن شرکت نمودند در شهرهای رانیه، کویه، کلار. جم جمال تظاهرات بر پا شد.

حضور ده ها هزار نفر در این مراسمها در مقایسه با مراسمهای که احزاب حاکم با جمعیت کمی ترتیب داده بودند نشانه ای از اراده مردم در اعتراضات به احزاب حاکم بود. در تظاهرات میدان آزادی مردم بر خواستههای خود تاکید نمودند.

**21 مارس-** کمپین "تورا بعنوان رهبر قبول ندارم" بعد از چند روز با جمع آوری بیش از 50000 امضا از مردمی که بارزانی را بعنوان رهبر خود قبول ندارند، به "دولت" تحویل داده شد. این کمپین در جواب به این ادعای مسعود بارزانی که در مصاحبه ای با تلویزیون ایتالیای گفته بود اگر 50000 نفر بگویند که او را بعنوان رهبر قبول ندارند، او استعفا خواهد داد، انجام شد. این امضاها را به دولت داده اند و تا کنون جوابی دریافت ننموده اند.

از طرف انجمن موقت میدان آزادی مدال های به پدر دو نوجوان جان باخته که تا کنون در میدان آزادی برای تحقق خواستههای مردم همراه معترضین هستند بخشیده شد. دهها هزار نفر در میدان آزادی به اعتراض خود ادامه دادند.

**22 مارس-** بارزانی در پیام نوروزی خود بجای جواب روشن به خواست مردم معترض گفت " من فکر نمی کنم مردم سلیمانیه جامدانه قرمز را سوزانده باشند" او مطلقا در مورد بیرون رفتن نیروهای مسلح و انحلال این نیروهای احزاب ملیشای و محاکمه کسانی که به اعتراضات مردم حمله نموده اند. به این نکات اکتفا نمود. سوزاندن جامدانه(جامدانه) قرمز یک اقدام سمبلیک مردم و جوانانی است که به خرافات ناسیونالیسم و کردایه تی پایان داده اند.

در شهر هلبجه نیروهای احزاب ملیشای با حمله به تظاهرات مردم 10 نفر زخمی شدند که یکی از زخمیها در راه بیمارستان جان خود را از دست داد. گزارشات نشان می دهند که به دستور جلال طالبانی نیروی غیر بومی به این شهر اعزام شده و از طرف این نیرو به مردم تیراندازی شده است گزارشات حاکی است که حتی در محل و اماکنی مردم مورد حمله قرار گرفته اند که در تظاهرات شرکت نکرده اند.

**23 مارس-** در شهر هلبجه تظاهرات ادامه دارد و مردم معترض ضمن محکوم نمودن پرو پاگاندهای میدیای احزاب حاکم تاکید نمودند که احزاب حاکم با آوردن نیروهای غیر بومی و تیراندازی تلاش نمود که تصویری غیر واقعی از این اعتراضات بدهند. در سرای آزادی سلیمانیه تظاهرات ادامه دارد.

انجن موقت در جواب به نامه پارلمان برای تعیین هیئتی جهت مذاکره انجمن گفت که ما از دیالوگ استقبال می کنیم و در شرایط کنونی وظیفه ما حفظ امنیت اعتراضات و از آنجا که شما اقدامی برای خواست اساسی مردم از جمله بیرون رفتن نیروهای احزاب مسلح از شهرها، دستگیری و محاکمه کسانی که به اعتراضات مردم حمله نموده اند.... ما شرایط را برای مذاکره مناسب نمی دانیم

اسد نودینیان

**نشریه مبارزان کمونیست را چاپ و پخش کنید**

**از سایت اینترنتی مبارزان کمونیست به نشانی زیر دیدن کنید**  
**www.mobarez-k.com**

## سرنوشت لیبی به کدام سمت می‌رود؟ مصاحبه نشریه مبارزان کمونیست با نسان نودینیان

**مبارزان کمونیست می‌پرسد:** ده روز بعد از قطعنامه منطقه ممنوعه پروازی در لیبی، کنفرانس لندن برگزار شد. اساساً آینده اوضاع سیاسی بکدام سو می‌رود؟

**نسان نودینیان:** اکنون سوال این است که لیبی در دست کی است. مثلاً در تونس و مصر از روز اول علیرغم بازی های دولت - ارتش و غرب، در جبهه مردم می‌گوییم جبهه مردم همه ما میدانستیم انقلابی که شروع شده بکدام سو می‌رود. همه ما میدانستیم که قیام کنندگان به چیزی کمتر از رفتن دیکتاتورها رضایت نمیدهند. برای پیروزی قیامشان مکانیسم تحسن و تجمع در میدانهای آزادی را سبیل کرده بودند. و قیام هم به پیروزی رسید. و دیکتاتورها هم فراری داده شدند. اما متأسفانه در لیبی اوضاع متفاوت و تا حدودی زیادی از کنترل مردم و قیام کنندگان خارج شد و شده است. مقاومت و اقدامات درنده خویانه و نظامی قذافی، قیام را با سرکوب خونین تری به نسبت تونس و مصر روبرو کرد. هر چند مردم و جوانان در لیبی دستاورد و حرکت های سمبلیک قیام کنندگان را در دست داشتند، و میدانستند که راه پیشروی و پیروزی قیام از کدام کانالها عبور میکند. تداوم قیام در لیبی به طرابلس (پایتخت) و مرکز تعیین تکلیف سرنوشت قیام متأسفانه کشیده نشد) شهر بنغازی به مرکز اعتراضات قیام کنندگان تبدیل شد و بدست مردم افتاد. و شورایی موقت برای رهبری تشکیل شد که اعضا و برنامه عمل و نحوه تشکیل این شورا هم در پرده ابهام و ناروشنی در دل قیام قرار گرفت. قذافی و نیروهای نظامی اش وقتی پایتخت را در دست گرفته بودند قصد پیشروی و تصرف بنغازی را داشتند. آنها با تمام امکانات موجود نظامی، با نیروهای درنده خو و از طریق عملیات هوایی زندگی مردم را در شهر بنغازی زیر بمباران سنگین قرار دادند. ده ها کودک و زن و مرد را کشتند، مردم بی دفاع بنغازی در مقابل وضعیتی تحمیل شده بدون دفاع و حفاظ دفاعی قرار گرفته بودند تا جایی که نوزده ماه مارس نیروهای قذافی بکمک عملیات سنگین هوایی به دروازه های بنغازی نزدیک شده بود، شهر و مردم را زیر بمباران قرار دادند. مردم مجبور شدند که شهر را تخلیه کنند، ما همه ما از طریق میدیا و رسانه ها شاهد بودیم که مردمی بی حفاظ و بدون امکانات دفاعی از دنیا تقاضای کمک می‌کردند. اقدام سازمان ملل و "منطقه ممنوعه پروازی در لیبی" در آن ساعات و شرایط که قصد نجات کودکان، زنان و مردانی که میخواستند برای نجات جانانشان حفاظی امنیتی ایجاد شود، با عکس العمل مثبت مواجه شد. به نظر من قابل محکوم کردن نبود. اگر یک لحظه خودت را جای مردم بنغازی و کودکان آنجا می‌گذاشتید که برای نجات جانانشان از جامعه جهانی خواستار کمک برای سد کردن بمباران و پیشروی قذافی و نیروهایش بودند، و معیار و انطباقهای "شابلونی" را با خط و نگرش مان را جای آن احساس انسانی کودکان و مردم می‌گذاشتیم و شریک میشدیم آنموقع باید می‌گفتیم هر اقدامی که انجام بگیرد از طرف من محکوم نیست. و این اقدام "منطقه ممنوعه پروازی" از پیشروی و ادامه بمباران منازل مردم کاست و نیروهای نظامی و عملیات سنگین هوایی و بمباران را متوقف کرد. مساله تا اینجا به اشتراک انسانی و احساساتی انسانی ربط داشت که توسط بخش اکثریت شهروندان جامعه اروپایی و امریکا و کلا در غرب با سمپاتی روبرو شد. و این برای آن شهروندانی در غرب مربوط بود که بیش از یک دهه است، از جنگ و ادامه حضور نیروهای نظامی کشور هایشان ناراضی هستند، و عملاً دارند بار فشار اقتصادی را در زندگی روزانه تجربه میکنند. و خارج از بار سنگین اقتصادی و فشارهای ناشی از آن، هزاران نفر از خانواده هایشان فرزندانانشان را از دست داده اند، و گورستان های زیادی شاهد دفن سرباز و افرادی از این کشورها هستند که در عراق، افغانستان جان خود را از دست داده اند. مردم در اروپا و غرب با مردم در لیبی در یک احساس همدردی و انسانی قرار گرفتند. این سناریو تا اینجا و مساله انسانی را باید در آن مقطع و ساعات و روزها قرار داد. من این احساس انسانی و نجات جان انسانها را به موقعیت جدیدی که ناتو و غرب برای حملات نظامی هوایی و زمینی تدارک دیده اند، بسط نمیدهم. موقعیت جدید نیز در خود قابل تعمق و موضعگیری است. ناتو و امریکا و ائتلاف غرب بویژه فرانسه(سارکوزی) و انگلستان(جرج کارمون) در لیبی بدنبال اهداف انسانی نیستند. اکنون لیبی به صحنه یک جنگ نا منظم و غیر متعارفی بلحاظ نظامی هم تبدیل شده است. در یک دقیقه بیشتر از ده نفر از معترضین مسلح توسط هواپیماهای ناتو و ائتلاف کشته میشوند، معترضین از تجارب جنگ و فن جنگ مطلع نیستند. یک اقدام کور و برای جلب حمایت ناتو و ائتلاف روزانه جان ده ها نفر از مردم و جوانان را میگیرد. اوضاع نا مشخص و بسیار بخرنج و پیچیده ای ایجاد شده است. راه حل قیام توده ای در لیبی متأسفانه دارد فراموش میشود. این خود یک گام جدی در به عقب راندن قیام و انقلابی است که در شمال افریقا و جهان عرب شکل گرفته بود. موقعیت امروز در لیبی برای تداوم پیروزی قیام و انقلاب مضر است. کنفرانس لندن در اساس این سناریو را سازماندهی کرد که ما امروز داریم با تلخی و با بگور سپردن قیام توده های مردم و جوانان که برای رفتن دیکتاتور دیگری قذافی و برای رفاه و امنیت و آزادی بمیدان آمده بودند، را تجربه میکنیم. به نظر من اوضاع جدید و حضور ناتو - امریکا و ائتلاف غرب پایدار نخواهد ماند. در شمال افریقا و جهان عرب قیام و انقلاب شده است. قدر قدرتی امریکا و غرب و "نظم نوین جهانی" آنها دیگر رنگ باخته است. وقتی افول کرد که دیکتاتورهای حامی آنها فراری داده شدند. احتمال قوی این است که قذافی هم به سرنوشت مشابه صدام حسین گرفتار شود، دستگیر و یا تحت فشار نظامی و متلاشی شدن ماشین دولتی اش، فرار کند. و در میان اقوام چادرنشین ده ها قبیله که بیشترشان یابی و از انسانیت تهی هستند، خود را قایم کند. اما مساله این است که رفتن و سرنگونی برای غرب موفقیت دراز مدتی ندارد. دلیل این مساله ساده است، مادام قیام های پی در پی در شمال افریقا و جهان عرب بردوام هستند، و مردم برای نان یعنی رفاه و امنیت و زندگی بهتر و آزادی مبارزه میکنند، با اراده و بیداری سیاسی که بر مطالبات سیاسی دخالت در سرنوشت خود و قدرت، و اقتصادی رفاه و امنیت و زندگی بهتر و عدالتخواهانه بر بستر جوامع در دنیا سایه افکنده است. اعتماد به نفس و بیداری سیاسی بیش از هر دوره دیگری در میان ما مردم افق و دورنمای روشن تری برای تغییر و ایجاد شرایط مناسب و دگرگونی و فراری دادن دیکتاتورها را فراهم کرده است. قیام لیبی هم اگر چه با یک دفور میزه شدن توسط قذافی از یک طرف سرکوب خونین شد و توسط غرب و ناتو به عرصه جنگ و مانور هوایی و نظامی و زمینی تبدیل شده است، دیر یا زود همچنانکه در شمال عراق در کردستان ما داریم قیام مردم و جوانان و کارگران را می بینیم، به شرایط نرمال یعنی اعمال اراده و قیام مردم باز خواهد گشت. مساله این است، بحران سرمایه داری کنونی اگر دولت های غربی(دمکراسی پارلمانی) و بورژوازی را در عمیقترین بن بست سیاسی و تلاطم اقتصادی قرار داده، و آنچه ما روزانه شاهد هستیم، احزاب سیاسی بازیگران و صحنه گردانان قدرت هر روز شکل عوض میکنند، و با بحران "رای" و صندلی در پارلمان مواجه میشوند، این کارگران و مردم زحمتکش و برابری طلب هستند که بیشتر در صحنه سیاست و برای ایجاد سدهای محکم که البته دفاعی است، در مقابل تخریب اجتماعی دولتها و احزاب پارلمانی و بورژواها، صف آرای می‌کنند.

مطالب ، اخبار و گزارشات خود را برای سایت مبارزان کمونیست ارسال کنید.

سایت مبارزان کمونیست در نقد و پلمیکهای اساسی علیه اسلام سیاسی، ناسیونالیسم و دمکراسی خواهی شرکت می کند.

این سایت از انتشار مقالات و مطالبی که با موازین آن خوانایی داشته باشد استقبال میکند.

و از فعالین کمونیست ، آزادیخواه و برابری طلب میخوایم با ما تماس گیرند و ما را یاری و همراهی کنند.

# ۲۲ آوریل

هماهنگ و همگام با هم برای  
نجات جان شیرکو معارفی و برای  
آزادی تمامی زندانیان سیاسی  
و اجتماعی



SHIRKO MOAREFI

## ۲۲ آوریل اعتراض سراسری علیه حکم اعدام شیرکو معارفی پور! اطلاعیه مبارزان کمونیست

30 سال است که ماشین اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی برای مقابله با خیزشهای انقلابی از مردم قربانی میگیرد. در زندانهای این رژیم جنایتکار هر روز تعدادی از زندانیان به پای چوبه های دار فرستاده میشوند. هم اکنون اعدامهای دسته جمعی در دسته های ده و بیست و دویست نفری در زندانها و بویژه در زندانهای اصفهان و مشهد و تهران در جریان است.

آدمکشان جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که شیرکو معارفی پور را در یازده اردیبهشت، در روزی که باید مراکز تولیدی، کارخانه ها و کارگاه ها و محل تجمعات کارگران و خیابانهای شهرهای ایران با مارش و مراسمهای روز جهانی کارگر مملو از اعتراض و اعلام کفرخواست علیه این نظام سرکوبگر و ظالمانه باشد، اعدام میکند. دلارا داری را هم در یازده اردیبهشت روز کارگر اعدام کردند. جمهوری جنایتکار اسلامی از ترس اعتراضات و تجمعات و در روز جهانی کارگر با ابزار اعدام میخواهد در این روز فضای رعب و ترس را در جامعه دامن بزند. این نقشه شوم و جنایتکارانه علیه مردم و طبقه کارگر برای همگان شناخته شده است و تنها با اعتراضات سراسری و کوبنده در روز 22 آوریل می توانیم آنرا خنثی کنیم.

مردم آزادیخواه!

۲۲ آوریل روز اعتراض سراسری به اعدام ها در ایران است. با ابتکارات خود و با مطلع کردن دوستان و نزدیکانتان در تجمعات بزرگ و سراسری شرکت کنید. تنها و تنها اعتراض و مبارزه های دسته جمعی و صدای آزادیخواهانه مردم در داخل و خارج از کشور میتواند جلو موج دائمی اعدام و جنایات رژیم را بگیرد.

مبارزان کمونیست از احزاب چپ و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان میخواهد که به حکم اعدام شیرکو معارفی پور و مجازات اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی دست به اعتراض بزنند.

مبارزان کمونیست

۲۴ فروردین ۱۳۹۰

۱۳ آوریل ۲۰۱۱

## گزارشی از کارزار اعتراضی برای لغو حکم اعدام و علیه حکم اعدام شیرکو معارفی

روز 22 آپریل پایتخت و تعداد هر چه بیشتر از کشورهای اروپائی و امریکا و کانادا شاهد حضور دهها نفر از معترضین به حکم اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی بود.

این کارزار به فراخوان احزاب سیاسی چپ و کمونیست و نهادهای مخالف اعدام فراخوان داده شده بود. که با موفقیت و استقبال ایرانیان خارج از کشور در فضایی پر از شور انقلابی و انزجار از اعدام و جمهوری اسلامی برگزار گردید.

در شهر استهکلم نیز این آکسیون با حضور دهها نفر از مخالفان حکم اعدام برگزار گردید. از طرف مبارزان کمونیست اسد نودینیان مجری و یکی از سخنرانان این اعتراض بود. همه سخنرانان در سخنان خود ضمن محکوم نمودن حکم اعدام خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام شدند. سخنرانان با زبانهای سوئدی و فارسی سخنرانی نموده و اطلاعیه های را نیز که به زبانهای سوئد و انگلیسی بود در میان مردمی که از محل تظاهرات عبور می کردند پخش نمودند.

این تظاهرات ساعت 6 بعداز ظهر با دادن شعارهای علیه رژیم اسلامی و در محکومیت حکم اعدام به پایان رسید.

مبارزان کمونیست



مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی